د کابل پوهنـــتون د ټولنیزو علومو علمي- څېړنیزه مجله
مجـــــله علمی- تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences - Kabul University
e-ISSN: 3078-557X P-ISSN: 3078-6657

اهمیت زیباشناسی در هنر تیاتر

نامزد پوهنیار مطیع الله رحیمی

دیپارتمنت تیاتر، پوهنځی هنرهای زیبا، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: matiullahrahimi22@gmail.com

چکیده

این تحقیق به روش مروری، اهمیت زیباشناسی در هنر تیاتر را بررسی می‌کند. هدف از این تحقیق تحلیل تأثیر عناصر زیباشناختی همچون طراحی صحنه، نورپردازی، لباس و حرکات بازیگران بر کیفیت اجرا و تأثیر عاطفی و فکری آن‌ها بر مخاطب است. یافته‌ها نشان می‌دهند که زیباشناسی در تیاتر تنها تجربه‌ای بصری و دلپذیر برای تماشاگران فراهم نمی‌کند، بلکه ابزاری قدرتمند برای انتقال مفاهیم پیچیده، پیام‌های اجتماعی و ایجاد ارتباطی معنادار با مخاطبان است. علاوه بر این عناصر زیباشناختی می‌توانند در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و معنوی نمایش‌ها نقش حیاتی ایفا کنند. این مقاله می‌تواند به هنرمندان و علاقه‌مندان تیاتر کمک کند تا نقش زیباشناسی را در ارتقای کیفیت نمایش‌ها و گسترش دامنه‌های هنری به‌خوبی درک کنند.

اصطلاحات کلیدی: بصری؛ تیاتر؛ زیبایی‌شناسی؛ طراحی‌صحنه؛ نمایشی

The Importance of Aesthetics in Theatre Arts

Matiullah Rahimi

Department of Theatre, Faculty of Arts, Kabul University, Kabul, Afghanistan
Email: matiullahrahimi22@gmail.com

Abstract

This study, conducted through a review method, examines the importance of aesthetics in theater arts. This research aims to analyze the impact of aesthetic elements such as set design, lighting, costumes, and actors' movements on the quality of performance and their emotional and intellectual impact on the audience. The findings indicate that aesthetics in theater provide a visual and enjoyable experience for the spectators and a powerful tool for conveying complex concepts and social messages and establishing meaningful connections with the audience. Furthermore, aesthetic elements can play a crucial role in shaping performances' cultural and spiritual identity. This article can assist artists and theater enthusiasts in better understanding aesthetics' role in enhancing the quality of performances and expanding artistic boundaries.

Keywords: Aesthetics; Stage Design; Theatre; Visual

ارجاع: رحیمی، م. (۱۴۰۳). اهمیت زیباشناسی در هنر تیاتر. *ژورنال علمی- تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل* ۷(۳). ۱۷۵-۱۵۹. https://doi.org/10.62810/jss.v7i3.55

مقدمه

زیباشناسی به‌عنوان یکی از ارکان بنیادی هنر تیاتر نقشی حیاتی در شکل‌گیری تجربه بصری و احساسی تماشاگران ایفا می‌کند. هنر تیاتر، با اتکا بر ترکیب از عناصر بصری، صوتی و حرکتی، به دنبال ایجاد یک تجربه کامل و جامع است که نه‌تنها داستانی را روایت می کند؛ بلکه به عمق احساسات و تفکرات مخاطب نیز نفوذ می کند. در این راستا، زیباشناسی به‌عنوان ابزار کلیدی برای تقویت و ارتقای تأثیرگذاری آثار تیاتری شناخته می‌شود.

طراحی صحنه، نورپردازی، استفاده از رنگ‌ها و طراحی لباس‌ها، همه‌وهمه اجزای زیباشناسی هستند که در شکل‌دهی و انتقال پیام‌های هنری در تیاتر کمک می‌کنند. عناصر فوق به تماشاگران این امکان را می‌دهد که با جزئیات بصری و زیبایی‌شناختی ارتباط برقرار کنند و به‌طور مستقیم تحت تأثیر فضای خلق‌شده قرار گیرند. در واقع، زیباشناسی به‌طور مستقیم بر تجربه حسی و عاطفی تماشاگران تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به درک عمیق‌تر و معنادارتری از روایت و مفهوم اثر نمایشی منجر شود.

باتوجه‌به اهمیت این جنبه از هنر تیاتر بررسی و تحلیل تأثیرات زیباشناسی بر عناصر مختلف اجرا از طراحی صحنه تا حرکات بازیگران به‌منظور درک بهتر و ارتقای تجربه تماشاگران امری ضروری است. این مقاله به نقش زیباشناسی در هنر تیاتر و تأثیر آن بر تجربه تماشاگران و کیفیت اجرا می‌پردازد.

بیان مسئله

زیباشناسی در هنر تیاتر نه تنها به عنوان یک اصل هنری، بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌ها و احساسات انسانی نقش حیاتی دارد. با این حال، در افغانستان، توجه کافی به ابعاد زیباشناختی در تولید و اجرای تیاتر صورت نگرفته است. این کمبود باعث شده تا تأثیرگذاری تیاتر به عنوان یک ابزار فرهنگی و آموزشی کاهش یابد. از این رو بررسی اهمیت زیباشناسی در هنر تیاتر و نقش آن در ارتقای کیفیت اجرا و جذب مخاطب امری ضروری به نظر می‌رسد.

ضرورت تحقیق

از اینکه در مورد زیبایی‌شناسی هنر تیاتر تا هنوز بگونه معیاری و علمی تحقیق‌های جامع صورت نگرفته است، بدین منظور خواستم در زمینه تحقیق علمی را انجام دهم تا باشد هنر تیاتر را از منظر علم زیبایی‌شناسی برای علاقه‌مندان بویژه هنرمندان رشته تیاتر تقدیم نمایم.

اهمیت تحقیق

علم زیبایی‌شناسی یکی از مهم‌ترین علومی است که در آن می‌شود تمام پدیده‌های هستی بویژه رشته‌های مختلف هنری را از دیدگاه متفاوت درک مشخص و بررسی نمود، بدین ملحوظ درک

زیبایی‌شناسی هنر تیاتر هم یکی از موارد با اهمیت برای هنرمندان می‌باشد که بواسطه آن می‌توان به تمام جوانب و حاشیه‌های پنهانی هنر تیاتر از یک دیدگاه متفاوت ابراز نظر نموده و هنر تیاتر ارتباط عمیق با زیبایی‌شناسی دارد.

اهداف تحقیق

بررسی اهمیت زیباشناسی در هنر تیاتر و نقش آن در بهبود کیفیت اجراها و تأثیرگذاری بر مخاطبان تیاتر شناسایی تأثیرات زیباشناسی بر درک مخاطب و تجربه هنری آن‌ها در تیاتر بررسی ارتباط میان عناصر زیباشناختی و پیام‌های اجتماعی و فرهنگی در تیاتر اهداف این تحقیق میباشد.

در مورد زیبایی‌شناسی عدهٔ ای در زمینه نوشته‌اند از جمله: کتاب زیبایی‌شناسی تیاتر نوشته بندیتی و مقاله حسین پارسایی در ماهنامه تخصصی هنر تیاتر شماره ۶۲ و ۶۳ در مورد زیبایی‌شناسی تیاتر اندکی توضیحات ارائه نموده و محسن حسینی در ماهنامه تخصصی هنر تیاتر شماره ۶۴ و ۶۵ در مورد زیبایی‌شناسی صحنه تیاتر مقالهٔ را چاپ نموده‌اند.

از این تحقیق میتوان ارتباط هنر تیاتر با زیبایی‌شناسی معلومات علمی به دست آورد امید است که مورد قبول و قابلیت استفاده برای هنرمندان و سایر خواننده گان داشته باشد.

سوالات تحقیق

الف:سوال اصلی

- آیا زیبایی‌شناسی جز حتمی کار هنر تیاتر باشد؟

ب:سوالات فرعی

- هدف از اهمیت زیباشناسی در هنر تیاتر چیست؟
- به کدام منظور باید ما توجه معطوف بداریم به اهمیت زیباشناسی در هنر تیاتر؟

روش تحقیق

این تحقیق به روش مرور انجام شده است. در این روش، به بررسی و تحلیل منابع موجود در زمینه زیباشناسی در هنر تیاتر پرداخته شده است. ابتدا مقالات علمی، کتاب‌ها و منابع معتبر مرتبط با موضوع جمع‌آوری شدند و سپس به صورت کیفی مرور گردیدند تا اهمیت و تأثیر عناصر زیباشناختی مانند طراحی صحنه، نورپردازی، لباس و حرکات بازیگران بر کیفیت اجرا و تأثیرات عاطفی و فکری آن‌ها بر مخاطب مورد بررسی قرار گیرد.

زیبایی‌شناسی در هنر تیاتر

«انسان موجودی است زیبایی را درک می‌کند و ویژگی‌های شاعرانهٔ زنده‌گی را می‌فهمد. بدین‌گونه نیاز زیبایی‌شناسی انسان به‌تمام جهان طبیعی و ذاتی است.» (جفه روف،۱۳۶۴ ،ص۱۹).

هنگام اجرای نمایش دو روند در ذهن مخاطب به‌طور هم‌زمان در جریان است که جز تعریف زیبایی‌شناسی تیاتر و اساساً برایند آن محسوب می‌شود:

۱. روند به رؤیت شکل عینی نمایش مربوط زیباشناسی می‌شود که مستقیماً به منظر و جلوه بازیگران و کلیت صحنه ارتباط پیدا می‌کند و حامل پاسخ‌های زیبایی‌شناسانه و ذهن با ورا نه برای سؤال‌ها و چراهای ذهنی تماشاگر است که بعد از تحلیل و تجزیه درست اثر نمایشی توسط کارگردان به زیبایی نمایش می‌انجامد.

۲. روند دیگر بر تحلیل و پیگیری درون‌مایه موضوعی و تحلیل گفت‌وگو متکی است و همان‌طور که در روند اول تماشاگر از آنچه می‌بیند لذت ذهنی می‌برد در این روند هم باید بعد از تحلیل گفت‌وگو و آنچه می‌شنود در ارتباط با حوادث روی صحنه به بن‌مایه‌ها و یافته‌های ذهنی نو و زیبایی برسد که مکاشفه ذهنی نویسنده متن را به ذهن او انتقال میدهد و لذت خودآگاهانه شدن وجوه مضمونی و محتوایی نمایش را برای او میسر و ممکن میسازد.

اگر این دو روند به‌خوبی و دررابطه با اجرای هنرمندانه و معنادار نمایش به شکل مطلوب اجرا شود زیبایی‌های موضوع اثر نمایشی برای تماشاگر آشکار می‌شود و او هنگام تماشای نمایش به لذت عاطفی و ذهنی زیبایی که حاصل آگاهی است به بخشی از رازهای زنده‌گی انسان و موجودیت هستی است می‌رسد.

در مورد زیبایی‌شناسی هنر تیاتر تعدادی از دانشمندان و منتقدین نظریات متعددی مطرح نموده‌اند که از جمله می‌توان به یکی از مشهورترین آنها که هنر تیاتر را به گونه فشرده بیان داشته است اشاره کرد: اریک بنتلی کارگردان و منتقد امریکایی انگلیسی‌تبار به این عقیده است که تیاتر یعنی الف در نقش ب درحالی‌که ج آنرا تماشا می‌کند (هولتن، ۱۳۹۰، ص ۵).

و یا قدرت تأثیر که از حضور فیزیکی هنرپیشه‌ها در صحنه و دکور به گونهٔ که حس زیبایی پسندی، منطق، لذت و احساس را در مخاطبین پدید و زنده سازد تیاتر است (همان، ص ۱۱۸).

جلوه‌های عینی و ذهنی زیبایی

منظور از زیبایی و زیبا بودن صرفاً جلوه‌گری خوشایند و چشم‌نواز نیست، بلکه این تعریف اساساً به زیبایی شیوه‌های خلق و بازآفرینی و نوع نگاه هنرمند به انسان و هستی برمی‌گردد؛ چه‌بسا حوادثی

وحشتناک یا شخصیت های زشت و بد ترکیب و منفور موردنظر باشند، اما شیوه‌ها و تکنیک‌های ذهنی کارگردان و هنرپیشه‌ها و مجموعه طراحان صحنه برای نشان‌دادن این دهشت و زشت نمایی‌ها آن قدر اندیشمندانه و بدیع باشند که در آفرینش اثر نمایشی خود را جلوه کند و هم‌زمان نگاره‌ها و اندیشه‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی نوینی را به شکلی غیر گزارشی و دراماتیک به نمایش بگذارد زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک عامل کلیدی در تیاتر عمل می‌کند و تأثیر عمیقی بر تجربه مخاطب دارد(کارلسون، ۱۳۹۷، ص۱۶۵).

از آنجای‌که خلق الگوهای نوین و تازه آفریدن یک‌دنیای ذهنی و عینی جدید برای بازشناخت و هم‌زمان رازگشایی و رونمایی و رخدادهای پنهان نمایش است باید شیوه کاربردی همه عوامل و عناصر به رویکرد و تعریف تجربی و بی‌همتایی زیبایی تیاتر بی انجامد؛ هنگام اجرای نمایش به قیاس ذهنی تماشاگر دامن بزند و او در خاطرات مرجعش[1] آن را با زیبایی‌های دیگر که در ذهن دارد بسنجد طوریکه بعداز دیدن مخاطب اثر زیبایی خود را نشان دهد؛ یعنی خود این زیبایی به‌عنوان الگوی اول جلوه کند.

رویکرد زیبایی‌شناسانه به نمایش تمام عوامل و عناصر و اجزای آن را در برمی‌گیرد که در کل شامل انتخاب متن نمایش، سبک اجرا، طراحی صحنه، لباس، نور، موسیقی و به‌کارگیری میزانسن‌های مرتبط و حتی نوع سالون است که هنگام اجرا یعنی در مرحله که نمایش‌نامه روند دراماتورژی[2] آن عملاً به تجربه درمی‌آید و همه چیز استقرایی‌تر می‌شود اجزاء و عناصر طراحی صحنه، گفت‌وگو و شیوه بیان را هم شامل می‌گردد.

زیبایی دارای هر دو بن‌مایه موضوع و محتوا نمایش تیاتر است. آنچه به حوزه موضوع مربوط می‌شود کل مفاهیم و معانی زیبایی‌شناسی را در برمی‌گیرد، اما چون حوزه عینی از لحاظ تصویری خود به دو حوزه دنیای عینی ذهنی[3] و دنیای عینی واقعی[4] تقسیم می‌شود، از این‌رو جامعیت و تبیین زیبایی به

---

[1]. referential memory

[2]. واژه‌ی دراماتورژی از یونان باستان به ما رسیده است؛ اثر و یا انشأ (ergos) +کردار-عمل (dramata) = دراماتورگوس(dramatourgos)؛ بنابراین در اصل، دراماتورگوس سراینده‌ی درام، یعنی نمایشنامه‌نویس است، هرچند دراماتورژی به‌عنوان مبحث زیبایی‌شناسی و تحلیل ساختاری به دوران کلاسیک برمی‌گردد، اما به استناد متون تاریخ تئاتر، دراماتورژها در قرن هیجدهم در تئاتر اروپا ظاهر شدند. در این قرن نویسندگانی که به منظور ایجاد و گسترش برنامه‌های نمایشی به استخدام تئاترها درآمده بودند، دراماتورژ نامیده شدند.

[3]. mental objective world

[4]. real objective world

ترتیب به سه بخش (دنیای ذهنی) ، موضوع ذهنی (دنیای عینی ذهنی) و موضوع واقعی نمایش به (دنیای عینی واقعی) ارتباط دارد و لازم است همه نویسندگان، کارگردانان، هنرپیشه‌ها، طراحان‌صحنه، لباس، نور و موسیقی با این مفاهیم آشنا باشند. آگاهی بر زیبایی‌شناختی هنر تیاتر آن‌ها را در خلق و به اجرا درآوردن شاخصه‌های متعارف و نامتعارف هنرنمایش کمک کند. لازم به یادآوریست همه مفاهیم ضمنی نمایش که حامل پیام و موضوع نمایش به عالم ذهن تعلق دارند و عینیت‌های تخیلی که از وجوه بصری برخوردار و در جهت برون‌نمایی درون‌مایه نمایش به کار گرفته شده در حوزه ابژه ذهنی یا (دنیای عینی ذهنی) تعریف و تبیین می‌شوند. جدا از این دو حوزه، هر آنچه که وجوه عینی داشته باشد و بتوان برای آن مقصد نسبی واقعی یافت جزء حوزه ابژه واقعی یا دنیای عینی واقعی است (دکارت، ۱۳۷۱، صص ۱۲۰-۱۲۲).

چون مکانیزم تأثیرگذاری به‌طور هم‌زمان رخ می‌دهد، هنرمند در همه این حوزه‌ها نیاز به خلق الگوهای نوینی از زیبایی دارد که برگرفته از الگوهای پیشین و بیانگر «یک زیبایی تکراری» نباشند. تیاتر تجربه راستین می‌طلبد که زیبایی با شگفتی هم توأم باشد و تحقق چنین خلاقیتی به دید نو نیاز دارد که همواره زیبایی و ارزش‌های این هنر را ارتقا می‌بخشد.

مفهوم زیبایی در اصل کاملاً نسبی است و به زمینه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، وضعیت طبقاتی شکل‌گرفته از ساختار اقتصادی، تاریخی، زمینه‌های فرهنگی و تربیتی جامعه ارتباط دارد و چون مکانیزم شکل‌گیری و ویژه‌گی‌های کمی و کیفی این عوامل و نیز میزان تأثیرگذاری آنها در جوامع مختلف متفاوت است، ازاین‌رو تعریف زیبایی از نظر قیاسی و کُلی «زیبایی» به ترتیب به جلوه بیرونی و درونی پدیده‌های عینی و غیرعینی (مفهومی) اطلاق می‌شود که از لحاظ تأثیرگذاری بصری یا معنایی، عواطف و ذهنیت‌های انسان را تا حد یک تجربه شادی‌آور بسیار کنش‌مند ارتقا می‌دهند؛ یعنی انسان به یک تجربه عملی بسیار خوش‌آیند از دیدار و درک الگوها و پدیده‌های عینی و غیرعینی شکل می‌بخشد. آنچه که زیباست ممکن است تکراری هم باشد باوجود این رویکرد قیاسی به «پدیده زیبا» تعریف نسبتاً کاملی از «زیبایی» هم، به دست می‌دهد: وقتی با پدیده یا معنای خاصی روبرو می‌شویم که شکل ظاهری‌اش یا وجود معناهای آن بسیار خوشایند و شگفت‌آور باشد تا جایی که نمونه‌ای از آن در خاطرات مرجع ذهن خویش نداشته باشیم و آن پدیده‌های خارجی یا درونی و جلوه‌های درک شده در نهایت کمال‌یافتگی برای ما به اثبات ذهنی و عاطفی رسیده باشد و تا مرتبه یک تجربه ناگهانی، نو و یگانه جلوه کند، در آن صورت آن را «زیبا» می‌بینیم؛ بنابراین، آنچه این

تجربه ذهنی و عاطفی تازه را برای ما ممکن می‌سازد تا آن را یگانه، خوشایند، معنادار، بدیع و شگفت بدانیم، «زیبایی» معنا می‌شود.

دررابطه‌با زیباترین شکل ممکن برای ارائه نمایش باید قابلیت‌ها و ظرفیت‌های عناصر ساختاری آن را برای جلوه‌دهی و زیبایی به ترتیب بررسی کرد؛ این عناصر عبارت‌اند از: نوع متن، هنرپیشه، طراحی صحنه، لباس، چهره‌آرایی، میزانسن‌ها، نور، موسیقی و نوع سالون اجرایی میباشد.

اهمیت هنر تیاتر

در مورد اهمیت هنر تیاتر و اینکه در کدام زمینه‌ها می‌توان از آن بیشتر استفاده کرد اندیشه‌های متعددی وجود دارد از جمله: «هنر تیاتر می‌تواند مثل سایر هنرها نوعی سرگرمی باشد، اما برای نمایش‌نامه‌نویسان بی‌شماری تیاتر وسیله طرح برخی پرسش‌های فلسفی و اخلاقی است که در همه افراد یک قوم و حتی در میان همه جوامع بشری مشترک است تیاتر می‌تواند مسایل جهانی همچون خوبی و بدی وظیفه سود جویی و معنی واقعی زنده‌گی را بر صحنه آورد بدون اینکه درگیر مباحث نظری گردد و تیاتر می‌تواند امر بسیار جدی باشد بی‌آنکه از آنچه باشد باز ایستد و در یک‌کلام تیاتر می‌تواند آموزشی باشد (وبینی،۱۳۷۷، ۱۶۳).

«طبیعت تیاتر چنان است که روابطی نزدیک و ژرف با جامعه‌ای دارد که در آن پدیدار می‌گردد. هرجا سخن از جامعه است سخن از سیاست است: در همه زمان‌ها، تیاتر خواه به‌طور مستقیم و آشکارا و خواه به‌گونه‌ای ظریف مسائل سیاسی را مطرح ساخته است» (همان، ص ۱۴۳).

منظور از تیاتر یک مجموعه هنری یا یک نظام سازمان یافته هنری است که بیش از هر چیز به متن یا نمایش‌نامه و سپس به کارگردان نیاز دارد و شامل بازیگری، صحنه آرایی، چهره پردازی، نورپردازی موسیقی، نقاشی و معماری است. تیاتر یکی از هنرهای هفتگانه است و از آیین‌های مذهبی سرچشمه می گیرد. تیاتر یک هنر دراماتیک است و پنج قرن قبل از میلاد در آتن و روم باستان به وجود آمد و سپس در آثار قرون وسطی رنسانس و بعد در عصر جدید اروپا ادامه یافت.تیاتر یک رسم آئینی است و همانند هر رسم دیگر دارای هدفی می باشد و روش خاصی برای رسیدن به این هدف نیز دارد. اگر اصالت این روش حفظ نشود انگیزه‌اصلی این مراسم که شاید بتوان به‌طور خلاصه آن را دست یافتن به یک مرحله خاص آگاهی نامید (افلاطون،۱۳۶۱، ص۱۱۸).

زیبایی‌شناسی در متن نمایشی (نمایش‌نامه)

متن نمایشی به جهان هم‌آهنگ شده‌ای از معنا اطلاق می‌شود که هر بار عناصر نمایشی زمان و مکان، حادثه و شخصیت را در فضاهای فرهنگی نسبی و متفاوت خود جای می‌دهد تا به کمک آنها و با بهره‌گیری از نوع ارتباط‌شان به یک موقعیت نهایی و یا به یک‌روند داستانی نمایشی شکل دهد. یعنی اجزایش در قالب نشانه‌های مفهومی و ساختاری برای اثبات ضرورت و الزام حقیقت یا حقایقی برتر به کار گرفته شده باشد و نهایتاً همان تیاتر نمایشی است که در آن محتوا و فرم با هم‌آمیزی اجزاء و عناصر موضوعی و ساختاری نمایش عینیت و شکل می‌بخشد.

آنچه بیانگر زیبایی متن است به ارتباط و ضرورت موضوعی و ساختاری آن با زمان اجرا و مکانیزم و شیوه‌های رمزگشایی از داده‌ها مربوط می‌شود که تماماً و مستقیماً به سبک و سیاق نگارنده آن میزان معنازایی، شیوه‌های بیان و ارائه درون‌مایه در قالب بصری و نمایشی بستگی دارد؛ بنابراین موجودیت متن به دلیل هدفمندی نویسنده برای آگاه‌کردن دیگران از چگونگی روند امور و شکل‌گیری واقعیت‌ها و ترغیب به‌منظور رسیدن به باورهای زیبا و معنادار زنده‌گی و هستی است؛ شکل‌گیری نهایی آن هم در اصل تحقق یک رخداد فلسفی و اجتماعی به شمار می‌رود. این دو ویژه‌گی درست زمانی که متن نمایشی روی صحنه و در برابر تماشاگران به اجرا در می‌آید به اثبات می‌رسد.

حال اگر خود متن هم به موضوعات فلسفی و اجتماعی بپردازد در آن صورت از لحاظ زیبایی‌شناختی قابل‌تأمل‌تر است.

هر متن نمایشی از لحاظ زیبایی‌شناختی، نگاره‌ها، تأملات، آرزوها و دغدغه‌های دوران خاصی را آشکار می‌سازد که می‌تواند به دوره‌های دیگر هم تعمیم یابد یا صرفاً رویداد، موقعیت یا داستان نمایشی یک دوران معین باشد (دیدرو، ۱۳۶۱، ص۵۵).

چگونگی طرح موضوع و نحوه بیان آن در قالب نشانه‌های بصری و مفهومی و نیز شیوه گره‌افگنی و گره‌گشایی از نوع نگرش و رویکرد نویسنده به زنده‌گی و محیط اجتماعی‌اش شاخصه‌هایی برای ارزیابی میزان زیبایی متنی و حتی زیبایی‌های ذهن و عواطف نویسنده محسوب می‌شوند. این زیبایی وقتی به نهایت می‌رسد که متن به‌صورت عینی یعنی به هنگام اجرا بر تماشاگران تأثیرات ماندگار داشته باشد و در آن‌ها به اتفاقات درونی تحول‌زا یا کلاً با کنش‌زایی بیرونی‌اش، تغییرات عینی و کمال‌طلبی‌های فردی و اجتماعی را در پی داشته باشد؛ متن نمایشی با محتوای ساختاری و موضوعی‌اش قابل‌ارزیابی است؛ چنین متنی به دلیل آنکه محصول فرهنگی و هنری جهان پیرامون

انسان است، همواره زیبایی پدیده‌ها و عناصر همین دنیا را هم با خود دارد. از آن جایی که در هنر اندیشه‌ورزی و شناخت‌زیبایی به کامل‌ترین شکل ممکن رخ می‌دهد، همه اجزاء و عناصر نمایش‌نامه به شکل ارائه می‌شوند تا نایل شدن ذهن تماشاگر به یک کمال نسبی از زیبایی قطعیت یابد. هر متنی هم به تناسب موضوع نوع نگرش نویسنده و شکل ساختاری‌اش دارای زیبایی‌های خاص خود است که با در نظر گرفتن همین‌ها ارزیابی می‌شود.

از لحاظ زیبایی‌شناختی در گفت‌وگو یک نمایش‌نامه نکته ظریفی وجود دارد و آن این است که وقتی به وجوه عینی ذهنی حوزه مفاهیم ابژه، دقت می‌کنیم، پی می‌بریم گفت‌وگو که ظاهراً جز حوزه مفاهیم نمایش به شمار می‌رود زیرا می‌توان از طریق ارجاعات و اشارات ذهنی یعنی به کمک کاربرد کلمات و عبارات خاصی که کارکرد نشانه‌های مفهومی و بصری پیدا می‌کنند به واقعیت‌ها و پدیده‌های واقعی اشاره کرد و آن‌ها را با اشکال معین به ذهن انتقال داد. دیگر اینکه از طریق همین گفت‌وگو، عینیت‌های مجازی ذهنی، خلق کرد که ارتباط مستقیمی با واقعیت‌های بیرون از ذهن نداشته باشد، اما بتواند در یک چرخه ذهنی معنادار و از طریق عینیت‌گرایی بعضی مفاهیم ذهنی و نمایش را در قالب و تصاویر تخیلی، ارتقاء دهند(فسچر، ۲۰۰۸، ص ۱۱۰).

خلق و ایجاد نماد یا سمبول و ذهنیت‌های عینی استعاری و حتی اسطوره‌ای که جایگاه خاصی در زیبایی‌شناختی متون نمایشی تاریخی و فرهنگی دارند به همین کاربری عینی ذهنی از زبان برمی‌گردد که در ادبیات نمایشی، بویژه تیاتر، می‌توان از آن برای خلق و گسترش زیبایی‌های عینی که هم‌زمان مفهومی باشند در کل ساختار موضوعی نمایش‌نامه یا در برخی گفت‌وگوها استفاده کرد و بر مفهوم‌زایی و شهودگرایی نمایش افزود، با توجه به ویژه‌گی‌های فوق باید پذیرفت که گفت‌وگو نمایش‌نامه به سبب برخورداری از چنین الزاماتی هم از لحاظ بیان و هم از نظر معنارسانی بسیار زیباتر هستند و هنگام بیان شدن به گوینده و شنونده، علاوه بر لذت رازگشایی از بن‌مایه‌های معنادار لذت کشف برخی زیبایی‌های گفتاری را هم به او می‌دهد؛ در نتیجه تماشاگر پی می‌برد که کلام تا چه حد در شکل، ترکیب و لحنی زیبا، رازگشای درونیات انسان است و قابلیت آن را دارد که به نمایش واقعی معنادار تبدیل شود.

زیبایی عمل یا اکت معنادار در هنر تیاتر

یکی از بخش‌های اساسی هنر تیاتر حضور هنرپیشه‌ها به‌عنوان حاملان معنا و پیام‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است. هر حرکت و حالت چهره هنرپیشه‌ها می‌تواند به‌عنوان یک نماد عمل کند که علاوه بر زیبایی ظاهری معنای عمیقی را به نمایش اضافه می‌نماید. این ویژه‌گی زیبایی‌شناسی تیاتر را با باورپذیری نقش‌ها و توانایی بازیگران در انتقال مفاهیم متن نمایش پیوند می‌دهد. هنرپیشه‌ها باید بتوانند با هم‌آهنگی کامل میان حرکات، گفتار و محتویات نمایش، انسجامی معنادار ایجاد کنند که هم زیبایی و هم مفهوم را به مخاطب برساند.

زیبایی در تیاتر تنها به ظاهر محدود نمی‌شود، بلکه ارتباطی مستقیم با محتوا دارد. حرکات و گفتار هنرپیشه‌ها زمانی زیبا محسوب می‌شوند که دقیقاً در هماهنگی با متن نمایش و شخصیت‌ها باشند. از سوی دیگر، هر نوع عدم باورپذیری در اجرا می‌تواند زیبایی کلی نمایش را تحت تأثیر قرار دهد. ارسطو، فیلسوف یونان باستان، تأکید کرده است که انسان طبیعتاً موجودی تقلیدگر است و هنر تیاتر از این ویژه‌گی بهره می‌گیرد تا تقلیدهای هنری را به سطحی از کمال و زیبایی برساند که مفاهیم نمایش را به شکل عمیقی منتقل کند (تاتارکویچ، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

حضور هنرپیشه‌ها در تیاتر، فراتر از یک اجرا است؛ این حضور باعث کشف و بازنمایی جنبه‌های پنهان زنده‌گی اجتماعی و فرهنگی می‌گردد. شخصیتهای نمایشی، به‌ویژه در آثاری که دارای زمینه‌های تاریخی و اجتماعی‌اند، رازهایی از زنده‌گی انسان‌ها را آشکار می‌کنند که پیش‌تر دیده نشده‌اند. این امر تنها در صورتی ممکن است که دلایل و نشانه‌های معنادار درون‌متنی برای هر حرکت، ژست و گفتار وجود داشته باشد. هنرپیشه با ایفای نقش خود، زیبایی را به مخاطب عرضه می‌کند، در حالی که خود نیز از فرایند زنده‌شدن و بازآفرینی نقش لذت می‌برد.

تماشاگران در سالون تیاتر با نوعی زیبایی‌شناسی پیچیده مواجه می‌شوند که نتیجه ترکیب هنرپیشه و شخصیت است. آن‌ها افرادی را می‌بینند که در قالب شخصیت‌های دیگر ظاهر می‌شوند و این ترکیب، حسی زیباشناختی و تأثیرگذار ایجاد می‌نماید. خود هنرپیشه نیز از این فرایند لذت می‌برد، زیرا او با ایفای نقش‌های مختلف، زنده‌گی‌های را تجربه می‌کند و از طریق خلق و بازآفرینی، به تعاملات انسانی و معنوی خاصی دست می‌یابد.

در پایان، زیبایی بازیگری و عمل معنادار در تیاتر، به هماهنگی کامل میان اجزای اجرایی و هدف نمایش بستگی دارد. هر نوع ناهماهنگی در حرکات یا عدم باورپذیری شخصیت‌ها می‌تواند زیبایی

نمایش را کاهش دهد. بنابراین، بازیگری در تیاتر نه تنها به نمایش احساسات و افکار می‌پردازد بلکه به کشف و تقویت زیبایی‌های انسانی و اجتماعی نیز کمک می‌کند و با هر بار بازآفرینی، معنای تازه‌ای به زنده‌گی و هستی انسان می‌بخشد.

مفهوم زیبایی در رابطه با طراحی صحنه، لباس و چهره‌آرایی در تیاتر

چون شیوه اجرای هر نمایشی خلاقانه و گزینه‌ای است، یعنی متنی انتخاب می‌شود تا در جایی خاص و برای دوستدارانی معین اجرا گردد و نیز خود کادر و قاب بندی صحنه هم به هر شکلی که باشد بیانگر نوعی سلیقه و ابتکار ذهنی است، از این رو اجرای نمایش عملاً نوعی اصرار بر اعلام زیبایی و تلاش در جهت ماندگاری اثر است؛ با این الزام ذهنی که این اجرایی شدن زیبایی هم متناسب با مفهوم خود زیبایی‌های هستی در حال تحول است. در این رابطه تاریخ فلسفه نشان داده که تفسیر انسان از خود زنده‌گی و هستی نیز پیوسته ثابت و یک گونه نبوده است؛ از این رو اجرای نمایش، اجرای الگوها و طرح‌های معین وگزینه شده محسوب می‌شود. در این رابطه طراحی صحنه به شکل و روند اجرای نمایش معنا می‌بخشد.

طراحی صحنه که در واقع نوعی قاب‌بندی موقعیت مکانی به شمار می‌رود، ممکن است بر حسب نوع موضوع و نگرش کارگردان و طراح صحنه، اشکال هندسی متفاوتی به خود بگیرد. این طراحی اگر کاملاً به تم (موضوع) نمایش مرتبط باشد، زیباتر و معنادارتر می‌شود و به ارکان و اجزاء دربرگیرنده خود سمت و سوی نشانه‌ای می‌دهد؛ به این معنا که اجزا و عناصر آن مفهومی‌تر و نمایشی‌تر می‌شود. در تیاتر همواره یک مسیر دو سویه و کنش‌مند از مفاهیم ذهنی به پدیده‌های عینی و برعکس در جریان است که جهت غالب آن نهایتاً به عینی شدن و عینی‌تر کردن صحنه است؛ خود این روند بخشی از مکانیزم شکل‌گیری عوامل و عناصر زیبایی‌شناختی نمایش به شمار می‌رود که گرچه نوعی جلوه کرده و موضوعات در قاب صحنه محسوب می‌گردد، اما در اصل ارتباط ساختاری و عینی این عوامل و عناصر برای موضوع ذهنی نمایش‌نامه است که اجرای آن را زیبا و باورپذیر می‌نمایاند، باید یادآور شد که برای محقّق شدن این روند، نوع نگرش، سلیقه، ابتکار ذهنی، توانایی و شناخت طراحی‌صحنه و کارگردان نقش محوری دارند.

در طراحی‌صحنه زیبایی علاوه بر کادربندی یا شکل‌دهی حوادث و نمایه‌های نمایش، در تناسب و هماهنگی اجزاء تشکیل‌دهنده صحنه، تقسیم فضا برای تنظیم میزانسن‌ها و بیشترین امکان برای شخصیت‌ها جلوه‌گر می‌شود.

طراحی صحنه در اصل معماری صحنه است و هم‌زمان باید بر حسب نوع نمایش اجزای تشکیل‌دهنده صحنه را مشخص و هم‌زمان از لحاظ محتوایی مشخص کند. هر صحنه‌ای بر حسب نوع طراحی و ضمائم تشکیل‌دهنده آن، زیبایی‌های خاص یک دوران یا چند دوران را به همراه دارد که دقیقاً بیانگر نوع تفکر، تشخیص وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شخصیت‌ها است که از لحاظ مکانی و نوع زندگی به آن تعلق دارند و در آن زندگی می‌کنند؛ چون طراحی صحنه در همه حال در برگیرنده شخصیت‌ها و ضمائم صحنه است.

زیبایی در صحنه صرفاً دیداری نیست، بلکه عمدتاً نشانه‌ای آن به عنوان زمینه‌ای برای حرکت و آشکار شدن شخصیت‌های نمایش است یعنی زیبایی در معنا و میزان بنیادی آن برای ارائه و نمایاندن نمایش محقق می‌شود و بیشتر شخصیت های درونی تاثیر گذار تر و باورپذیرتر و زیباتر به نظر میرسد.طراحی صحنه هنگام اجرای نمایش در حقیقت به ترکیب‌بندی صحنه تبدیل می‌شود. از این رو ضمن آنکه هر عنصر و پدیده‌ای در آن باید معنادار و مرتبط به نظر برسد در کلیت خود هم لازم است نشانگر یک نظم ذهنی و عینی باشد، زیرا اساساً نوعی نقاشی که در آغاز در ذهن طراح صحنه ترسیم شده است تا اثر نمایشی از اهمیت زیبایی‌شناسی بهره مند شده و اثر نمایشی ماندگار می ماند.

از آنجایی که زیبایی صحنه مستقیماً و به‌طور بی‌واسطه‌ای به طراحی کلی آن و چیدمان ابزار و نوع دکور هم بستگی دارد، افزودن هر شیء و عنصر اضافی هارمونی و ارتباط اجزای ساختاری صحنه را به‌هم می‌ریزد و به همان نسبت زیبایی‌های بصری و مفهومی‌اش را هم از دست می‌دهد.

صحنه نمایش هرچه دراماتیک‌تر باشد زیباتر است، چون علاوه بر ویژه‌گی‌های خاص تیاتر را هم به عنوان یک هنر نشان می‌دهد. طراحی صحنه وقتی به کمال زیبایی می‌رسد که در آن موجودیت و ارتباط تنگاتنگ شخصیت‌ها، میزانس‌ها، عناصر و اجزای موجود، لباس و حتی نوع دکور و جنس آن به‌طور کامل به اثبات برسد. اگر در یک نمایش همه چیز مناسب و سنجیده باشد و فقط یک عنصر نا هم‌آهنگ و بی‌ارتباط به نظر برسد در آن صورت تمام نمایش آسیب می‌بیند؛ مثلاً اگر لباس بازیگران ارتباطی به محتوای نمایش نداشته باشد از لحاظ محتوایی و نیز زیبایی‌شناختی هر آنچه با معنا لازم و زیبا بوده به دلیل نامناسب بودن لباس شخصیت‌ها تناسب موضوعی و ساختاری‌اش را از دست می‌دهد و پذیرفته نمی‌شود. این موضوع در مورد چهره‌آرایی در تیاتر نیز صدق می‌کند؛ به دلیل آنکه نور و فاصله تماشاگر از صحنه دو عامل مهم در چگونگی جلوه چهره شخصیت‌ها دارند، چهره‌ها باید کاملاً طبیعی باشند، مگر آنکه نمایش نوع خاصی از کمیدی باشد یا در آن عمداً اغراق و مبالغه‌نمایی استفاده شود. همه زیبایی چهره‌پردازی در باورپذیر بودن آن است؛ چنانچه چهره‌آرایی صورت بازیگران برای

تماشاگران مشخص باشد، شخصیت مورد نظر را از زمینه موضوعی و ساختاری نمایش خارج و او را مضحک، اضافی و زشت نشان می‌دهد.

نقش میزانسن و کاربرد نور و موسیقی در خلق زیبایی صحنه تیاتر

میزانسن بازیگران و چگونگی حرکات دقیقاً آن‌ها را در رابطه با نوع حادثه یا موقعیت به ما نشان می دهد، اما چنین تعریفی از لحاظ زیبایی‌شناختی هنوز کافی نیست، زیرا در هنر تیاتر اصل بر خلق نگاره‌های معین است؛ با این تأویل که گرچه هر حرکت اتفاقی در دنیای واقعی دارای مضمون حماسی، تراژیک، کمیک و یا ابزورد است، اما از لحاظ نمایشی اغلب دارای میزانسن‌های حماسی، تراژیک یا کمیک و ابزود نیستند و فقط به دلیل موضوعی در این ژانرها سیر می‌کنند، در حالی که نمایش به شناخت و کاربری میزانسن‌های متناسب برای چنین حوادث و ژانرهایی ملزم است؛ در سینما معمولاً علاوه بر میزانسن، دوربین هم به کارگردان و صحنه کمک می‌کند، یعنی دوربین نمای یک قهرمان را اغلب از زیر، و نمای بیچاره‌گان را از بالا می‌گیرد و موقعیت‌های متناسب با چنین وضعیت‌هایی در نظر گرفته می‌شود، اما در رابطه با تیاتر باید گفت چون دوربینی در کار نیست و واقعیت مجازی عملاً و عیناً به اجرا درمی‌آید و تبدیل به نوعی واقعیت حقیقی می‌شود و این از لحاظ زیبایی‌شناختی یکی از وجوه بارز و بسیار برجسته تیاتر و تفاوت‌های آن با سینماست، از این رو به اقتضای تعریف و ماهیت این هنر بر میزانسن‌ها تأکید بیشتری می‌شود و در شکل‌دهی حرکات، حالات و رفتار بازیگران ما به درونمایه‌ای حادثه، موقعیت و حتی خود شخصیت‌ها مراعت می‌شود؛ این بدان معناست که زیبایی‌شناختی به نفع هرچه دراماتیک‌تر شدن صحنه، موقعیت و کلیت اجرا، کاربردی بیشتری پیدا می‌کند (کارلسون، ۱۳۹۷، صص ۱۲۰-۱۵۰).

برتولت برشت بر اهمیت زیبایی به عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کند. او می‌گوید که زیبایی در تیاتر می‌تواند باعث آگاهی و نقد اجتماعی شود.

در نتیجه، اگر همانند سینما نمی‌توان به کمک دوربین نماهای مختلف گرفت در عوض، به کمک میزانسن حرکات و حالات می‌شود آن را جبران، و زیبایی موضوع و درونمایه را آشکار کرد؛ مثلاً موقعیت یک قهرمان را در صحنه همواره بر جایگاه بلندتری در نظر گرفت و به کمک ژست، نور، حالات خاص چهره و شیوه بیان و ترفندهای دیگر، تمایز، برتری و یکتایی روحی و جسمی او را نشان داد و شخصیت تحقیر شده و بی‌پناهی را هم، با جای دادن در مکانی ویرانه و نیز، با خماندن قامتش و ملال‌آوری و ژولیدگی ظاهرش به آسانی آشکار کرد.

باید توجه داشت که انتخاب نوع سالون نیز در تشدید زیبایی هر کدام از شخصیت‌های فوق مؤثر است و در رابطه با تعریف زیبایی‌شناسانه هنر تیاتر، میزانسن صرفاً برای پیش برد خط داستانی نمایش نیست، بلکه عمدتاً برای برون‌نمایی و دراماتیزه کردن تأثیرات درونی متن است و هر میزانسنی نوعی نشانه مفهومی و نمایش تلقی می‌گردد که هم‌زمان از لحاظ موضوعی و ساختاری عامل تعیین‌کننده است در زیبایی اجرای نمایش است؛ از یاد نبریم که زیبایی در تیاتر با میزان تأثیرگذاری و معنازایی شخصیت‌ها، موقعیت، حادثه و اجزاء صحنه رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ دارد و به چشم‌نواز بودن جلوه‌های خوب یا دکلمه کردن گفت‌وگوی ادیبانه مربوط نمی‌شود. نور در تیاتر، کاربری زیبایی شناختی‌اش به مراتب بیشتر از نور در عکاسی و سینماست؛ در عکاسی، خود دوربین درجات خاص و معینی برای تنظیم نور دارد و کاربری‌اش صرفاً برای ثبت درست و کامل همان چیزی است که در دنیای خارج موجود است. در سینما و عمدتاً در فضاهای داخلی و تاریک از نور، برای روشنایی نسبی و مورد نیاز صحنه استفاده می‌گردد و فقط در سینمای اکسپرسیونیستی، نور در مقابل معنی‌داشته و تأثیرگذار جهت تشدید تاثیرات بصری و مفهومی صحنه در محدوده کادر فیلم کاربری دارد، اما در تیاتر استفاده از نور موضعی برای یک شخصیت، شی یا موقعیت خاص که بخشی از صحنه را تشکیل می‌دهد، منجر به تأکید بیشتر و ضمناً معنازایی قابل توجهی می‌شود. نور به علت تأثیرگذاری آنی و دراماتیک‌اش به جلوه حضور شخصیتها، تأثیرات عناصر صحنه، و به عینیت شکل اجرا ابعاد گسترده‌تری می‌بخشد و هم‌زمان بر میزان تإثیرگذاری میزانسن‌های اولیه می‌افزاید، حتی این قابلیت را هم دارد که با آن به حرکت شخصیت‌ها در صحنه میزانسن داد؛ یعنی در چارچوب میزانسن‌های موجود گاهی به کمک نور، نوع حضور، حرکت و حالت دیگری درآورد و تغییر داد؛ نور در کل همانند کاربری‌اش در نقاشی، جلوه رنگ را افزایش می‌دهد و آن را برجسته می‌سازد. از این لحاظ کاربرد آن به جلوه‌افزایی و زیبایی بصری و گاه به شاعرانگی صحنه کمک می‌کند. زیبایی در نظر ارسطو به کارکردهای هنری و تأثیر آن بر عواطف و احساسات انسان اشاره دارد. این زیبایی باید به ارتقاء زنده‌گی انسانی و فرهنگی کمک کند. موسیقی چنانچه با وجوه عاطفی و اندیشه‌ورزانه حوادث، شخصیت‌ها و موقعیت‌ها هم‌خوانی و تناسب داشته باشد، یکی از قوی‌ترین و مؤثرترین عوامل و عناصر اجرای نمایش است، زیرا سبب تعمیق و درونی‌تر شدن حالت عاطفی رویدادها، شخصیت‌ها و موقعیت‌ها می‌شود، به‌طوری که زیباترین تجارب عاطفی و ذهنی در روان تماشاگر شکل می‌گیرند و باید گفت انتخاب موسیقی مناسب برای همراهی صحنه‌ها، نوعی قرینه‌سازی عاطفی و اندیشه‌ورزانه هم به شمار می‌رود. با توجه به ویژه‌گی‌های فوق، باید،

پذیرفت که هر دو عنصر نور و موسیقی به عنوان نشانه‌های برای تأثیرگذاری برون‌نمایی و برجسته‌سازی عناصر و اجزاء درونمایه نمایش کاربری دراماتیک بالایی دارند.

اهمیت زیبایی نمایش تیاتر، در تالار و مکان اجرا

مکانی که برای اجرای نمایش انتخاب می‌شود نشانه‌ی مفهومی برای نوع نمایشی است که به اجرا درمی‌آید؛ به این معنا که کارگردان موضوع و حتی ژانر نمایش‌نامه را در نظر می‌گیرد و سعی می‌کند باتوجه‌به آن، محل اجرای نمایش هم نشانه‌ای ضمنی برای القای درون مایع آن باشد.

نمایشی که به فقر و تنگناهای اجتماعی و سیاسی می‌پردازد، درست نیست در سالونی شیک که بیشتر مناسب اجرای اُپرا، نمایش‌های پر زرق و برق و یا ملودرام‌های عشقی است به نمایش درآید. اگر این اتفاق بیفتد اجرای نمایش آسیب می‌بیند و زیبایی معنادار آنکه با اندیشه‌ورزی همراه است، از دست می‌رود (برشت، ۱۳۷۸، ص۱۲۵).

انتخاب درست سالون یک اعلام ضمنی قبل از اجرا برای نوع نمایش محسوب می‌شود و این ویژه‌گی را دارد که تماشاگر از پیش‌زمینه‌های ذهنی قبل از ورود به سالون که به فضای بیرون از تیاتر مربوط است، تخلیه و آمادگی ذهنی آن را پیدا کند تا با اجرای نمایش معینی روبه‌رو شود. اگر این انتخاب درست انجام شود، طراحی صحنه هم مناسب‌تر و نهایتاً دست‌یابی به صحنه ایده‌آل نمایش امکان‌پذیرتر خواهد بود؛ مثلاً اگر شخصیت‌های نمایش تحقیر و طردشده باشند، چنانچه موقعیت صحنه، هم‌طراز با چوکی‌های ردیف اول تالار و پایین‌تر از ردیف‌های بعدی باشد با درونمایه نمایش همخوان‌تر و هماهنگ‌تر است و خود همین موقعیت منشا داده‌های عاطفی و ذهنی می‌شود، در عوض، هنگام اجرای نمایشی حماسی یا هراسناک، صحنه باید بلندتر باشد تا تاثیر، بر محل حضور تماشاگران سیطره داشته باشد؛ همه این‌ها بستگی به نوع سالون دارد که این قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها را ممکن می‌سازد. او نشان میدهد که چگونه عناصر زیبایی‌شناسانه مانند طراحی صحنه، نورپردازی و حرکات بازیگران می‌توانند تأثیر عمیقی بر درک و احساسات مخاطبان داشته باشند. این فصل به تحلیل موارد خاصی می‌پردازد که در آن‌ها زیبایی‌شناسی به عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌گیری تجربه تماشاگر عمل می‌کند و اهمیت آن را در تیاتر معاصر مورد تأکید قرار می‌دهد(بندیتی، ۱۳۹۸، صص ۱۰۰-۱۲۵).

نتیجه گیری

در تیاتر زیبایی‌شناسی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نمایش‌ها شناخته می‌شود که نه تنها بر اساس ظاهر و فرم، بلکه از طریق محتوای معنایی و باورپذیری شخصیت‌ها به‌وجود می‌آید. حضور هنرپیشه‌ها در

صحنه تیاتر نه تنها به‌عنوان اجرای یک نقش، بلکه به‌عنوان یک فرآیند هنری و زیبایی‌شناختی است که توانایی بازآفرینی زنده‌گی و مفاهیم انسانی را دارد. حرکات و گفتار بازیگران باید با هم‌آهنگی کامل با متن و محتوای نمایش انجام شود تا بتواند زیبایی و معنا را همزمان به مخاطب منتقل کند.

زیبایی‌شناسی با ارتباط مستقیم میان متن، شخصیت‌ها و اجرا به شکلی عمیق و جامع مفاهیم انسانی، اجتماعی و فرهنگی را انتقال می‌دهد. زیبایی در تیاتر در صورتی به درستی تحقق می‌یابد که تمامی اجزای نمایشی با یکدیگر هم‌آهنگ و منسجم عمل کنند و هنرپیشه‌ها به‌عنوان واسطه‌ای برای انتقال این زیبایی بتوانند مفاهیم را با قدرت و باورپذیری به مخاطب انتقال دهند. در نتیجه، زیبایی تیاتر نه تنها در فرم بلکه در معنای عمیق آن نهفته است که تنها از طریق درک و تأثیرگذاری واقعی در مخاطب می‌تواند به شکلی مؤثر و زیبا شکل گیرد و می‌توان گفت که زیبایی در تیاتر چیزی فراتر از یک ویژه‌گی ظاهری است. زیبایی‌شناسی بازیگری و اکت معنادار در تیاتر با انسجام کامل میان متن نمایش، اجرا و مخاطب به‌طور هم‌زمان به دنیای درونی شخصیت‌ها و دنیای بیرونی آن‌ها در قالب نمایش پرداخته و آن‌ها را به یک تجربه زیباشناختی بی‌نظیر تبدیل می‌کند.

منابع

افلاطون. (۱۳٦۱). پنج رساله (ترجمه محمود صناعی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

بندیتی، ج. (۱۳۹۸). زیبایی‌شناسی تیاتر: نظریه و عمل. تهران: انتشارات پوهنتون تهران.

برشت، ب. (۱۳۷۸). درباره تیاتر (چاپ دوم، ترجمه فرامرز بهزاد). تهران: انتشارات خوارزمی.

تاتارکویچ، و. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی ارسطو (ترجمه سیدجواد فندرسکی و شادی حدادپور). تهران: خیابان.

دکارت، ر. (۱۳۷۱). اصول فلسفه (ترجمه منوچهر صانعی). تهران: انتشارات الهدی.

دکارت، ر. (۱۳۸٤). اعتراضات و پاسخ‌ها (ترجمه و توضیح علی‌محمد افضلی). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

دکارت، ر. (۱۳۸٤). تاملات در فلسفه اولی (ترجمه داکتر احمد احمدی). تهران: انتشارات سمت.

جفه روف، ج. (۱۳٦٤). در شناخت هنر و زیبایی (ترجمه ح.ص.). کابل: مطبعه حزبی.

حسینی، م. (۲۰۰۳). روند زیبایی‌شناختی و تغییرات پارادایگمایی در تیاتر به سوی هنر پرفرمنس. در کاتالوگ بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی تیاتر فجر، اسفند ۱۳۸۱.

حسینی، م. (۱۳۸۲). فرانکفورت در فصلنامه هنر، بهار ۱۳۸۲.

دیدرو، د. (۱۳٦۱). هنرپیشه کیست (چاپ دوم، ترجمه احمد سمیعی). تهران: چاپخانه سپهر.

کارلسون، م. (۱۳۹۷). نظریه‌های تیاتر: بررسی تاریخی و انتقادی از یونانیان تا کنون. تهران: انتشارات سایه‌ساز.

له‌مان، ه.-ت. (۱۳۹٦). تیاتر پست‌دراماتیک. تهران: انتشارات چشمه.

وییني، م. (۱۳۷۷). تیاتر و مسائل اساسی آن (چاپ چهارم، ترجمه سهیلا فتاح). تهران: چاپ مهر.

هولتن، ا. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر تیاتر، آینه طبیعت (ترجمه محبوبه مهاجر). تهران: مطبعه سروش.

Benedetti, J. (2013). Stanislavski: An introduction. Routledge.

Brockett, O. G., & Hildy, F. J. (2014). *History of the theatre (10th ed.).* Pearson.

Carlson, M. (2018). *Theories of the theatre: A historical and critical survey from the Greeks to the present*. University of Michigan Press.

Fischer-Lichte, E. (2008). *The transformative power of performance*: A new aesthetics. Routledge.

Rancière, J. (2013). *Aesthesis: Scenes from the aesthetic regime of art*. Verso.